

تاثیر اعتماد اجتماعی بر مشارکت با تاکید بر نقش و عملکرد شوراهای اسلامی

(مطالعه موردی استان آذربایجان شرقی)

محمدجواد ناطق پور*

فاطمه گلایی**

چکیده

در این پژوهش سعی شده است تا نقش شوراهای در افزایش میزان اعتماد اجتماعی در بین افراد جامعه و تاثیر آن بر روی مشارکت مردم سنجیده شود. مفهوم اعتماد اجتماعی از مفاهیم کلیدی جامعه‌شناسی است. اعتماد کردن، خود نوعی مشارکت تلقی می‌شود. در حقیقت، با حضور و سهم شدن مردم در امور شهر و همکاری با شورا، نتایج مثبت و سودمندی حاصل می‌شود. شوراهای به عنوان نهادهای مدنی می‌توانند پل ارتباطی بین مردم و دولت تلقی شوند و در همکاری بین مردم و شوراهای می‌توان از تمرکز گسترده دولت جلوگیری کرد و شاهد نوعی مدیریت مشارکتی در سطح جامعه و حرکت در مسیر بهبود شرایط اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بود. این کار تحقیقی در بین شهرهای مختلف استان آذربایجان شرقی، که برحسب شاخص‌های توسعه انتخاب شده‌اند، صورت گرفته است. نوع تحقیق از نوع پیمایشی میدانی و ابزار تحقیق، پرسشنامه است. فرضیه اصلی تحقیق، بررسی رابطه بین اعتماد و مشارکت است و نتایج آزمون فرضیات، وجود رابطه معنی‌دار بین این دو مفهوم را تأیید می‌نماید.

واژه‌های کلیدی: اعتماد اجتماعی^۱، اعتماد بین شخصی^۲، اعتماد تعمیم یافته^۳.

مشارکت اجتماعی^۴، شورا، عملکرد شورا.

* - عضو هیئت علمی گروه جامعه‌شناسی توسعه دانشگاه تهران

** - کارشناس ارشد پژوهش علوم اجتماعی

1 - social trust

2 - interpersonal trust

3 - generalized trust

4 - social participation

مقدمه

اعتماد یکی از جنبه‌های مهم در جامعه‌شناسی است که برخی از اندیشمندان مانند پاتنام^۱، کلمن^۲، فوکویاما^۳، زتومکا^۴، اینگلهارت^۵ و ... در این مورد نظریه‌پردازی کرده‌اند. مشارکت حاصل روندی پویاست و در تعامل بین افراد جامعه و در نتیجه اعتماد آنان به همدیگر شکل می‌گیرد.

مطالعه مشارکت اجتماعی دارای سابقه دیرینه‌ای است و نظریات زیادی از جمله نظریات اینگلهارت، هابرماس^۶، آرنه^۷، هانتینگتون^۸ و نلسون^۹ را به خود اختصاص داده است. اعتماد یکی از عناصر اصلی مهم سرمایه اجتماعی^{۱۰} گروه‌ها و جوامع و لازمه مشارکت افراد در امور محسوب می‌شود؛ به عبارت دیگر، برای انسجام، نظم و توسعه همه جانبه که در آن همه آحاد جامعه مشارکت فعال داشته باشند، افزایش این عنصر (اعتماد اجتماعی) ضرورت دارد.

شوراها به عنوان نهادهای مدنی نقش مهمی در بین مردم و در توسعه و سازماندهی کشور دارند. این نهادها می‌توانند در نتیجه اعتماد در نتیجه اعتماد عمومی مردم به آنها و بالعکس، باعث افزایش مشارکت و در نهایت حرکت در جهت آبادانی و پیشرفت کشور گردند.

موضوع مورد بررسی در این تحقیق نقش اعتماد اجتماعی در امر توسعه با تأکید بر عملکرد شوراها در سطح منطقه‌ای (استان آذربایجان شرقی) است؛ به عبارت دیگر، می‌خواهیم نشان دهیم که شوراهای اسلامی چگونه و به چه میزان می‌توانند از طریق ایجاد اعتماد اجتماعی، در افزایش مشارکت مردمی نقش ایفا کنند. یعنی چگونه باید

1 - Putnam

2 - Coleman

3 - Fukuyama

4 - Sztompka

5 - Inglehart

6 - Habermas

7 - Arnet

8 - Hantington

9 - Nelson

10 - social capital

۳ تاثیر اعتماد اجتماعی بر مشارکت با تاکید بر نقش و عملکرد شوراهای اسلامی

عمل کرد تا شوراهای ما در سطح منطقه‌ای کارآمد شوند؛ تفکر شورایی در جامعه نهادینه گردد و عملکرد شوراها مورد پذیرش مردم قرار گیرد. بدیهی است که رواج تفکر شورایی در بین مردم و دخالت آحاد جامعه در تصمیم‌گیری‌ها و ارائه پیشنهادهای و نظرات، باعث ایجاد جو اعتماد عمومی در جامعه می‌شود و مشارکت همه جانبه مردمی را تضمین می‌نماید و در این حالت، شاهد توسعه و پیشرفت در سطح منطقه خواهیم بود. بنابراین، بررسی عملکرد شوراها و نقش آنها در جلب اعتماد و مشارکت مردمی می‌تواند کلید موفقیت هر اقدامی باشد که به منظور نیل به گسترش و تسهیل فرآیند تصمیم‌گیری، نظارت، اداره و توسعه محلی و منطقه‌ای صورت می‌گیرد و پرداختن به این امر از ضرورت و اهمیت بسیاری برخوردار است.

اهداف تحقیق

اهداف تحقیق در این پژوهش شامل اهداف عام و خاص است. هدف عام یا کلی عبارت است از بررسی عملکرد شوراهای منطقه‌ای در سطح استان آذربایجان شرقی و نقش آنان در بالا رفتن میزان اعتماد اجتماعی در بین مردم و نیز نقش این شوراها در افزایش مشارکت مردمی است. برخی اهداف خاص هم وجود دارند که عبارت‌اند از:

- بررسی میزان موفقیت شوراها؛
- بررسی میزان اعتماد مردم در شهرهای مختلف استان نسبت به شوراها؛
- بررسی میزان موثر بر اعتماد مردم به شوراها و سهم هر یک از عوامل مذکور؛
- بررسی نظرات مردم در شهرهای مختلف استان در مورد شوراها و ارزیابی نظرات آنان نسبت به عملکرد شوراها؛
- بررسی چگونگی ارتباط مردم با اعضای شورا و میزان همکاری با آنها؛
- بررسی میزان شناخت مردم از اعضای شورا.

بحث نظری

با توجه به موضوع مورد پژوهش، می‌توان به بررسی نظریات ارائه شده در مورد اعتماد و مشارکت پرداخت. اعتماد یکی از پیش‌فرضهای اساسی در جامعه کنونی است. به عبارت دیگر، پیشرفت زمانی میسر خواهد شد که در تعاملات اجتماعی بین افراد، اعتماد متقابل وجود داشته باشد.

از نظر اینگلهارت، اعتماد اجتماعی و متقابل یکی از پیش‌نیازهای فرهنگ مدنی^۱ و ایجاد دموکراسی پایدار محسوب می‌شود. اعتماد یکی از عوامل مشارکت است؛ بنابراین مشارکت، توأم با حس اعتماد است. اریکسون^۲ از اندیشمندان روانشناسی اجتماعی در بررسی مفهوم اعتماد، اعتماد بنیادی^۳ را مطرح می‌سازد و معتقد است که اعتماد بنیادی در مراحل اولیه زندگی شکل می‌گیرد و موجب تفکر نسبت به افراد و جهان پیرامون می‌شود (پورافکاری، ۱۳۷۶).

نظریه پردازان مبادله، اعتماد بین شخصی را مطرح می‌کنند که در روابط و تعاملات اجتماعی معنا پیدا می‌کند؛ توسعه می‌یابد و تقویت می‌گردد (عباس‌زاده، ۱۳۸۰؛ ۴۰).

اعتماد تعمیم یافته، نوع سوم اعتماد است که همراه با شکل‌گیری دولت‌های مدرن یا دولت ملت‌ها مطرح می‌شود و لازمه همکاری و مشارکت میلیون‌ها شهروندی است که در جوامع پیچیده و مدرن امروزی زندگی می‌کنند.

از دیدگاه جامعه‌شناسی، نظریه‌پردازانی مانند زیمل^۴، وبر^۵، جانسون^۶، کلمن، لوهمان^۷، گیدنز^۸، زتومکا، هومنز^۹، بلاو و ... به بحث در مورد اعتماد پرداخته‌اند. زیمل معتقد است که اعتماد، روابط اجتماعی را مستحکم می‌سازد. هم‌چنین به نظر زیمل

^۱ - civil culture

^۲ - Erikson

^۳ - basical trust

^۴ - Simmel

^۵ - Weber

^۶ - Johnson

^۷ - Luhmann

^۸ - Giddens

^۹ - Homans

۵ □□ تاثیر اعتماد اجتماعی بر مشارکت با تاکید بر نقش و عملکرد شوراهای اسلامی

در جوامع امروزی، عدم قطعیت و تجربه متفاوت اجتماعی همراه با افزایش فردگرایی، نیاز به اعتماد را دو چندان می‌سازد (عباس‌زاده، ۱۳۸۰؛ ۵۰).

کلمن معتقد است که مشارکت میان اعتمادکنندگان بالقوه به قابلیت اعتماد بیشتر منجر می‌شود؛ به علاوه، اعتماد کردن، خود نوعی مشارکت تلقی می‌شود (کلمن، ۱۳۷۷؛ ۱۷۱).

گیدنز معتقد است که در جوامع تحت تسلط نظام‌های انتزاعی و فاصله‌گیری‌های زمانی و مکانی، اعتماد امر مهمی است و نیاز به اعتماد، با این فاصله‌گیری ارتباط دارد. به نظر گیدنز، اعتماد هنگامی ضروری می‌شود که در نتیجه فاصله‌گیری روزافزون زمانی و مکانی، دیگر اطلاع کاملی از پدیده‌های اجتماعی نداشته باشیم (ریترز، ۱۳۷۵؛ ۷۶۸).

زتومکا، مرز بین اعتماد اجتماعی و اعتماد بین شخصی را بسیار معنی‌دار نمی‌داند و از نظر وی، در هر دو مورد، مقوله‌های اجتماعی وجود دارد. او اعتماد را امری متغیر و نسبی می‌داند و معتقد است که در جهان امروز، کسان زیادی وجود دارند که به صورت گمنام به سر می‌برند ولی ما از افکار و تولیدات آنها بهره می‌بریم. بنابراین مجبوریم به کارآیی، مسئولیت‌پذیری و حسن‌نیت آنها اعتماد داشته باشیم (کاظمی، ۱۳۸۱).

سلیگمن^۱، برداشتی از اعتماد ارائه می‌کند و آن را به عنوان یک پدیده مدرن مطرح می‌سازد که با تقسیم کار^۲، تمایز^۳، کثرت‌گرایی نقش‌ها و تعیین‌ناپذیری^۴ پیامدها و انتقال‌پذیری انتظارات نقش مرتبط است (سلیگمن، ۱۹۹۷؛ ۳۹).

پانتام، بقا و پایداری تعاون و همکاری هدفمند را در گرو اعتماد اجتماعی می‌داند و اعتماد را متضمن و دربردارنده پیش‌بینی رفتار کنشگر مستقل دانسته است (پانتام، ۱۹۹۲؛ ۱۷۸). به نظر پانتام، اعتماد اجتماعی مهم‌ترین مؤلفه سرمایه اجتماعی است و

1 - Seligman

2 - division of labour

3 - differentiation

4 - uncertainty

همکاری و تعاون داوطلبانه، در جایی که ذخیره و انباشتی اساسی از سرمایه اجتماعی در قالب قواعد تبادل و شبکه‌های تعهد مدعی وجود داشته باشد، به آسانی صورت می‌گیرد. سرمایه اجتماعی دلالت بر صورتهایی از سازمان اجتماعی چون اعتماد، قواعد و شبکه‌ها دارد که کارآیی جامعه را از طریق کنش‌های مناسب تسهیل می‌کنند (همان منبع، ۱۶۷، به نقل از ازکیا و غفاری، ۱۳۸۰).

پاتنام در جهت یافتن تفاوت بین عملکرد حکومت‌ها علی‌رغم ساختارهای قانونی آنهاست. او اعتماد اجتماعی را ناشی از دو منبع هنجاری معامله متقابل و شبکه‌های مشارکت مدنی^۱ می‌داند. اعتماد، همکاری را تسهیل می‌نماید و هرچه سطح اعتماد در جامعه‌ای بالاتر باشد، احتمال همکاری هم بیشتر خواهد بود و بالعکس، همکاری و مشارکت نیز اعتماد را در سطح جامعه تسهیل می‌نماید (یوسفی ۱۳۸۳: ۷۶-۷۵).

فوکویاما، توانایی نیل به سعادت در یک جامعه را در درجه اول به دوام و قوام جامعه مدنی، توانایی افراد در مشارکت و همکاری با اجتماعات کوچک و بزرگ و مآلاً به رعایت موازین اخلاقی چون اعتماد، صداقت و اتکاپذیری وابسته می‌داند (امیری، ۱۳۷۴: ۱۳، به نقل از ازکیا غفاری، ۱۳۸۰).

برخی از عوامل می‌توانند بر اعتماد اجتماعی و به تبع آن بر میزان مشارکت مردم در امور جامعه‌شان مؤثر باشند. آگاهی یکی از پیش‌شرط‌های اساسی اعتماد اجتماعی است که تاثیر زیادی در مشارکت افراد و در نهایت تاثیر بسزایی در توسعه جامعه خواهد داشت. آگاهی شهروندان و توجه آنان به ضرورت توسعه جامعه، روشها و ابعاد آن، حس مسئولیت‌پذیری آنها را افزایش داده، مشارکت آنان را در توسعه تا حد قابل توجهی تضمین می‌کند. میزان آگاهی شهروندان، مسیر را برای اعتماد کردن هموار می‌کند و به دنبال آن، مشارکت و حضور در فعالیت‌های اجتماعی تحقق می‌یابد.

^۱- civil participation

۷ تاثیر اعتماد اجتماعی بر مشارکت با تاکید بر نقش و عملکرد شوراهای اسلامی

آلموند^۱ و وربا به این نتیجه رسیده‌اند که اعتماد به یکدیگر، شرط اصلی تشکیل روابط ثانوی است که به نوبه خود بر مشارکت سیاسی موثر است (اینگلهارت، ۱۳۷۳: ۲۵-۲۶).

در مورد مشارکت، به تحقیقات نظریه پردازانی مانند لیپست^۲ (۱۹۶۵)، هاورز^۳ (۱۹۷۳)، لرنر^۴ (۱۹۵۸)، دال^۵ (۱۹۶۵)، میردال^۶ (۱۹۸۵)، هانتینگتون (۱۹۷۳)، بیکر^۷ (۱۹۸۱)، شوارتز (۱۹۸۹) و ... می‌توان اشاره کرد. به عنوان مثال، رابرت دال کوشیده است که مدلی برای تبیین پدیده مشارکت ارائه کند. مدل او مبتنی بر رویکرد روانشناسی رفتارگرایانه است و پدیده گرایش و عدم تمایل افراد به مشارکت را مورد توجه قرار می‌دهد. او به مفهوم احساس کارآیی و رضامندی اشاره می‌کند و معتقد است که بدبینی و عدم اعتماد نسبت به شرکت در فعالیت‌های اجتماعی، کارآیی را کاهش می‌دهد. به نظر دال، هرچه مردم معتقد باشند که بدون مداخله آنها، نتایج اقدامات و کارهای دیگران، رضایت آنان را تامین می‌کند، احتمال مشارکتشان در آن امور کمتر خواهد شد (محسنی تبریزی، ۱۳۷۳: ۹).

به علاوه، از نظر دال، عواملی مانند میزان نفع مشارکت، میزان اهمیت مشارکت، اعتماد به نفس و میزان آگاهی در تمایل به مشارکت فرد و یا عدم تمایل او دخیل است.

آلموند و وربا به احساس توانایی ذهنی و سیاسی^۸ اشاره دارند؛ یعنی چنانچه شخص معتقد باشد می‌تواند بر حکومت تاثیر بگذارد و همین دریافت از توانایی مدنی^۹، زمینه را برای مشارکت بیشتر هموار می‌سازد (آلموند و وربا، ۱۹۷۲: ۱۸۲).

1- Almond and Verba

2 - Lipset

3 - Houzer

4 - Lemer

5 - Dahl

6 - Mirdal

7 - Baker

8 - political efficiency

9 - civil efficiency

از دیدگاه این دو، احساس توانایی ذهنی در افراد، نخبگان حکومتی را در مقام پاسخگویی قرار می‌دهد و نظام سیاسی خود را ملزم به در نظر گرفتن نیازها و خواست‌های شهروندان می‌کند. مطالعات آلموند و وربا در مورد میزان مشارکت در بین مردم در کشورهای مختلف نشان می‌دهد که در کشورهای با دموکراسی پایدارتر، شهروندان، محیط خویش را امن‌تر و با تفاهم‌تر ارزیابی می‌کنند. در نتیجه، میزان تمایل به مشارکت در بین آنان بالاست. برای اینکه مشارکت و همیاری مدنی در سطح جامعه شکل گیرد، باید تمایل به مشارکت وجود داشته باشد و این امر در نتیجه نگرش مثبت در بین شهروندان امکان‌پذیر است. به عبارت دیگر، مشارکت اجتماعی در فضایی نسبت به همدیگر می‌تواند زمینه‌ساز همیاری اجتماعی و تشکیل گروه‌ها برای تاثیرگذاری بر امور سیاسی شود.

در مورد مشارکت که یکی دیگر از شاخص‌های سرمایه اجتماعی به شمار می‌رود، هانا آرنت و یورگن هابرماس، نگاه غایت‌گرایانها به مشارکت دارند. آنها مفهوم حوزه عمومی یا قلمرو همگانی را مطرح می‌سازند. شکل‌گیری علایق جمعی و مشارکت در تعیین سرنوشت جمعی و در تصمیم‌گیری‌های اجتماعی و سیاسی، مستلزم بحث و گفتگوی عمومی است که در آن، افراد گرد هم می‌آیند تا درباره تعریف علایق جمعی و گروهی و بهترین راه‌های رسیدن به آن به بحث جمعی و عمل مشترک بپردازند. مسئله از نظر آرنت این است که چگونه در همگان این احساس را به وجود آوریم تا به قول جفرسون، «نه فقط در روز انتخابات، بلکه هر روز در اداره امور شریک باشند» (آرنت، ۱۹۶۵: ۲۵۴؛ به نقل از یوسفی، ۱۳۸۳).

بر اساس دیدگاه‌های آرنت و هابرماس، وجه‌میزه انسان به عنوان موجود اجتماعی عمل و سخن گفتن در جمع است. بدون مشارکت در زندگی جمعی، گروه‌ها و سازمانهای اجتماعی، شکل‌گیری هویت جمعی «ما» امکان‌پذیر نیست. بنابراین، کارکرد اصلی گروه‌ها و تشکلهای اجتماعی، ایجاد هویت جمعی، کمک به شکل‌گیری علایق جمعی، احساس برخورداری از قدرت و توانایی اصلاح و تغییر مناسبات اجتماعی و عادلانه و تفاهمی کردن این مناسبات است (یوسفی، ۱۳۸۳: ۴۰).

هائیتینگتون و نلسون در بحث مشارکت، از مشارکت سیاسی و اجتماعی سخن به میان می‌آورند و آن را با توسعه اقتصادی در ارتباط قرار می‌دهند. طبق تعریف این دو، مشارکت سیاسی عبارت است از فعالیت شهروندان به منظور تاثیرگذاری بر فرآیند تصمیم‌گیری‌های دولت. نگرش کلی هائیتینگتون و نلسون این است که در کشورهای در حال توسعه، مشارکت اجتماعی به طور اعم و مشارکت سیاسی به طور اخص، فی‌نفسه هدف محسوب نمی‌شود و معمولاً تابعی از تصمیمات نخبگان حاکم و سیاستهای آنها یا به طور کلی، محصول جانبی توسعه محسوب می‌شود. به این معنی که نخبگان حاکم برای تحکیم قدرت خود، تحکیم استقلال ملی و با اصلاحات اجتماعی یا کاهش نابرابریهای اقتصادی و اجتماعی و ... مشارکت بخش‌هایی از جامعه را در سیاست، تشویق و تسهیل می‌کنند و یا اینکه چون توسعه اقتصادی و اجتماعی فرصت‌های تحرک اجتماعی فرد را بیشتر می‌کند در درازمدت افزایش منزلت‌های بالاتر در جامعه و گسترش نگرشهای ذهنی مبتنی بر احساس توانمندی و موثر بودن از نظر سیاسی موجب گسترش مشارکت سیاسی می‌گردد (رضایی، ۱۳۷۵: ۵۴-۵۵). اینان معتقدند که کسب منزلت‌های بالای اجتماعی به نوبه خود، در فرد، احساس توانایی و نگرش معطوف به توانایی تاثیرگذاری بر تصمیم‌گیری‌های دستگاه‌های عمومی را ایجاد می‌کند و این عوامل ذهنی در مجموع می‌تواند مشوق مشارکت در سیاست و فعالیت اجتماعی باشد.

در این حالت، منزلت اجتماعی بالاتر و احساس توانایی و موثر بودن از نظر سیاسی به عنوان متغیرهای میانی، مشوق مشارکت اجتماعی و سیاسی محسوب می‌شود. این دو، میزان سواد و تحصیلات فرد را دارای بیشترین تاثیر در مشارکت سیاسی می‌دانند. دوم اینکه مجرای سازمانی با عضویت و مشارکت فعال در انواع گروه‌ها و سازمانهای اجتماعی (اتحادیه‌های صنفی و شغلی، گروه‌های مدافع علایق خاص و ...) است که احتمال مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی را بیشتر می‌کند. رویکرد هائیتینگتون و نلسون به مشارکت، نوعی رویکرد ابزاری است که بر

نشریه دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، دانشگاه تبریز □ ۱۰

مبنای آن شاهد انسان‌هایی هستیم که با در نظر گرفتن اصل هزینه - سود مبادرت به مشارکت می‌نمایند. مفاهیم ارائه شده را می‌توان در جدول زیر (جدول شماره ۱) خلاصه کرد.

جدول شماره ۱ جمع‌بندی نظرات اندیشمندان در مورد اعتماد و مشارکت

مفهوم	صاحب‌نظران	متغیر	شاخص
اعتماد اجتماعی	پاتنام، کلمن، فوکویاما، اینگلهارت	اعتماد به دولت، اعتماد مردم به یکدیگر و اعتماد به شورا	میزان توجه مسئولان به ایفای وظایف و عمل به وعده‌های خود و نیز مهارت و تخصص آنها در آن
حوزه عمومی	آرنت و هابرماس	مشارکت عینی	شرکت مردم در انتخابات و جلسات شوراها
مشارکت اجتماعی	اینگلهارت، هانتیگتون و نلسون	مشارکت ذهنی و مشارکت عینی	پیشقدم شدن افراد برای حل مشکلات، میزان انتظارات مردم از خود یا دولت برای رفع مشکلات، مشارکت کاری و مالی مردم، عضویت در مجامع مشارکتی
مشارکت سیاسی و اجتماعی	آرنت و هابرماس	مشارکت عینی	شرکت مردم در جلسات شورا، شرکت مردم در انتخابات شوراها
توانایی مدنی	الموند و وریا	احساس کارایی و توانمندی	نگرش مثبت نسبت به اعضای شورا و آشنایی با اعضای شورا
مشارکت مدنی	رابرت دال	احساس کارآیی و توانمندی	تعیین به شرکت در کارهای گروهی

داگلاس مک گریگور^۱ در قالب نظریه مشارکت سازمانی، تئوری‌های خود را بیان می‌کند. تئوری X با شیوه خودکامگی مدیران سازگار است. و تئوری Y با برنامه مشارکت مدیریت منطبق می‌باشد. تئوری X بدون توجه به نیازهای خودشکوفایی، عامل انگیزش نیازهای امنیت و فیزیولوژیک را بیان می‌کند، اما تئوری‌های Y به دنبال خلاقیت فرد در فرآیند برانگیخته شدن به طریق مناسب و تعیین ظرفیت برای آفرینندگی است. یکی از عوامل بروز شکوفایی و خلاقیت را می‌توان در ایجاد

^۱ - MC Qregor

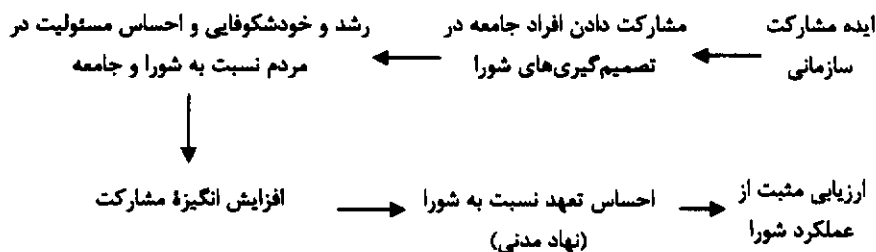
مدیریت مشارکتی و مشارکت دادن کارمندان در تصمیم‌گیری‌ها دانست؛ به طوری که دخالت دادن کارکنان در کلیه سطوح سازمان، انگیزش هرچه بیشتر آنان را فراهم می‌آورد.

طبق این نظریه، هرگاه شورا بتواند به مشارکت و همکاری با مردم در جهت برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری‌ها در امور مختلف بپردازد، خلاقیت و نوآوری و افکار جدید در مردم شکوفا شده، در مقابل، مردم نیز خواهند توانست افکار و ایده‌های جدید خود را به شورا منتقل کرده و با کمک‌رسانی به اعضا، در جهت پیشرفت و آبادی شهر و روستای خود گام بردارند. بدیهی است دخالت دادن مردم در تصمیم‌گیری‌های شوراهای اسلامی در شهر و روستا، باعث ایجاد انگیزش در آنها در جهت مشارکت و همکاری هر چه بیشتر در امور خواهد گردید. از طرف دیگر، اگر مردم احساس کنند که در تصمیم‌گیری‌های شهر و روستای خود مشارکت دارند، نظرشان نسبت به شورا و عملکرد آن مثبت خواهد بود.

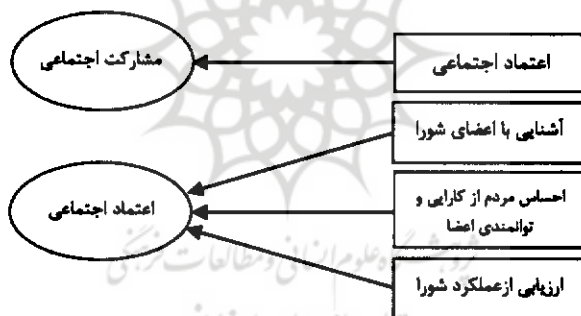
هرزبرگ^۱ در نظریه انگیزش، بهداشت، پاداش‌های سازمان را به دو دسته از عوامل تقسیم می‌کند. نخست عواملی که فقدان آنها موجب عدم رضایت می‌گردد، ولی وجود و تامین آنها ایجاد انگیزه شدید و قوی نمی‌شود. دسته دوم، عوامل موثر در ایجاد انگیزه هستند و فقدان آنها مترادف با عدم انگیزش است. از نظر هرزبرگ، عوامل موثر در ایجاد انگیزش عبارت‌اند از موفقیت کاری، شناخت و قدردانی از افراد و کار آنها، ماهیت کار و وظایف محوله، رشد فردی و ماهیت مسئولیت‌های محول شده. از این تئوری می‌توان نتیجه گرفت که برنامه مشارکت مردم با اعضای شورا ممکن است موجب انگیزش در آنها شود و در نتیجه، آنها فرصت‌هایی برای رشد، پذیرش مسئولیت و مشارکت در امور پیدا کنند و این امر باعث افزایش تعهد آنها نسبت به شورا و ارزیابی بهتر از عملکرد آن شورا گردد. از تئوری هرزبرگ و

^۱ - Herzberg

نظریه X و Y و مک گریگور در رابطه با مشارکت سازمانی می‌توان به مدل زیر رسید:



نمودار شماره ۱، مدل تلفیقی از تئوری هرزیبرگ و نظریه مک گریگور طبق نظریات ارائه شده می‌توان به این مدل مفهومی رسید.



نمودار شماره ۲، مدل مفهومی

پیشینه تحقیق

«سنجش عملکرد شورای اسلامی نمونه با توجه به شاخص‌های توسعه اجتماعی»، حاجی ابراهیم‌زاده ۸۳-۱۳۸۲، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران، موضوع اصلی مطرح شده در این رساله کارشناسی ارشد این است که شوراهای اسلامی در کدام یک از زمینه‌های توسعه اجتماعی موفق‌تر و در کدام زمینه ضعیف‌تر عمل کرده‌اند و اصولاً جهت‌گیری آنها در مسیر جریان توسعه‌ای بوده یا

۱۳ □ تاثیر اعتماد اجتماعی بر مشارکت با تاکید بر نقش و عملکرد شوراهای اسلامی

خیر؟ هم‌چنین این رساله به بررسی وظایف قانونی شوراهای پرداخته و به این سوال پاسخ می‌دهد که آیا رابطه‌ای میان وظایف تعیین شده در قانون برای شوراهای و شاخص‌های توسعه اجتماعی وجود دارد یا نه.

نتایج نشان می‌دهد که شوراهای در زمینه شاخص‌های مختلف توسعه اجتماعی (سرمایه اجتماعی، عدالت اجتماعی - توزیع درآمدها - بهداشت، آموزش، مسکن، امنیت، تکنولوژی)، عملکردی موفق داشته‌اند (حاجی ابراهیم‌زاده، ۱۳۸۳).

■ کوساک دوبار یکی بر روی نخبگان به پیمایش پرداخت. هدف کوساک از این تحقیق بررسی شهرداری و روسای احزاب محلی) و دیگری بر روی شهروندان به پیمایش پرداخت. هدف کوساک از این تحقیق بررسی منابع رضایت شهروندان از عملکرد شهرداری‌ها بود و پرسش اصلی او این بود که چرا برخی از شهرداری‌ها در ارزیابی موکلانشان، عملکرد خوبی دارند و بقیه عملکردی ضعیف؟ نتایج مطالعه کوساک نشان می‌دهد که سرمایه اجتماعی یا به طور مشخص (اعتماد موجود در فرهنگ سیاسی نخبگان) بر عملکرد بهتر حکومت محلی موثر است. این یافته مؤید نظر پانتام است که در مناطقی که مشخصه فرهنگی همانا اعتماد است، عملکرد حکومتها کارآمدتر است و موجب رضایت شهروندان می‌شود (یوسفی ۱۳۸۳).

■ آقای به بررسی نقش شوراهای اسلامی در افزایش مشارکت روستاییان در طرح‌های توسعه پرداخته و برای اندازه‌گیری سرمایه اجتماعی از سه شاخص اعتماد و انسجام و مشارکت اجتماعی استفاده کرده است. او بین متغیرهای اعتماد، انسجام و مشارکت اجتماعی، میل به پیشرفت، خاص‌گرایی و پایگاه اجتماعی، رابطه معنادار و مستقیمی با شورا می‌بیند. او نتیجه می‌گیرد که موفقیت و کارایی شوراهای ضعیف بوده و شوراهای در تبدیل به یک نهاد و سازمان مردمی موفق با موانع و مشکلات ساختاری روبه‌رو بوده‌اند و مهم‌ترین عوامل را چنین برمی‌شمارد:

- ۱- عدم آشنایی مردم و اعضا با اهداف شوراهای ۲- فردگرایی روستاییان
- ۳- ضعف قدرت اجرایی شوراهای ۴- ناآشنا بودن مقوله مشارکت و فقدان فرهنگ

۵- مشارکتی - عدم حمایت جدی دولت از این نهاد نوپا ۶- تناقض در قانون شوراهای
۷- تضادهای اجتماعی (احمد آقایی، ۱۳۸۲).

- غلامی در پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود تحت عنوان «بررسی شوراهای اسلامی روستاییان و تحلیل عملکرد آنها» می‌گوید: علی‌رغم اعتماد و اعتقاد مردم روستایی، شوراهای در زمینه توانایی توسعه و بهبود وضع روستاها به دلایل متعددی از جمله عدم آگاهی از وظایف و اختیارات خود، ناآشنا بودن با مقوله مشارکت، عدم حمایت جدی دولت، عدم همکاری مسئولان محلی و ... فاقد کارآیی لازم هستند. براساس این تحقیق، شوراهای اسلامی فعلی، کارآیی لازم را برای انجام مسئولیت خود نداشته و نتوانسته‌اند به اهداف پیش‌بینی شده دست یابند و بیش از ۷۰ درصد مردم از اعضای شورا و عملکرد آن رضایت ندارند (غلامی، ۱۳۷۵).

۶- یوسفی در پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود تحت عنوان بررسی تاثیر سرمایه اجتماعی بر عملکرد شوراهای اسلامی (مطالعه موردی روستاهای کرمانشاه). به این نتیجه رسیده که رابطه معنی‌داری بین همه مولفه‌های سرمایه اجتماعی (اعتماد، انسجام و مشارکت اجتماعی) و خود سرمایه اجتماعی با عملکرد شوراهای اسلامی روستایی وجود دارد. از طرف دیگر بین امکانات توسعه‌ای روستا و عملکرد شورا نیز رابطه معناداری مشاهده گردیده است (یوسفی، ۱۳۸۳).

فرضیه‌های تحقیق: فرضیه اصلی تحقیق عبارت است از فرض وجود رابطه معنی‌دار بین اعتماد اجتماعی در بین مردم و میزان مشارکت اجتماعی آنان. فرضیات فرعی تحقیق عبارت‌اند از:

- نظرات مردم در شهرهای مختلف نسبت به عملکرد شوراهای متفاوت است.
- اگر مردم احساس مثبتی از کارآیی و توانمندی شورا داشته باشند، ارزیابی بهتری از عملکرد شورا خواهند داشت.
- هرچه مردم آشنایی بیشتری با شورا داشته باشند، ارزیابی آنها از عملکرد شورا بهبود خواهد یافت.

۱۵ □ تاثیر اعتماد اجتماعی بر مشارکت با تاکید بر نقش و عملکرد شوراهای اسلامی

- اگر مردم شناخت بهتری از اعضای شورا داشته باشند، بیشتر می‌توانند به شورا اعتماد کنند.

- بین ارزیابی مردم از عملکرد شورا و میزان اعتماد اجتماعی رابطه وجود دارد.
- میزان اعتماد نسبت به شورا در بین مردان و زنان از یکدیگر متفاوت است.
- هرچه سن بالاتر می‌رود، از میزان اعتماد اجتماعی کاسته می‌شود.
- افراد متاهل نسبت به غیرمتاهلین دارای اعتماد بالاتری به شورای شهر هستند.
- بین سطح درآمدی افراد جامعه و میزان اعتماد اجتماعی آنان رابطه معنی‌داری وجود دارد.

- افراد در شهرهای بزرگ در مقایسه با افراد در شهرهای کوچک از اعتماد کمتری نسبت به شورا برخوردارند.

- مردم در شهرهای بزرگ ارزیابی بهتری از موفقیت شورا دارند.

تعریف مفاهیم

اعتماد: اعتماد از لحاظ نظری عبارت است از انتظارات درست در مورد کنش‌های افراد دیگر (داسگوتا، ۱۹۸۸: ۵۱). اعتماد زمانی دخالت دارد که انتظارات با تصمیم‌گیری‌ها تفاوت پیدا می‌کند (لوهان، ۱۹۷۹: ۲۴).

در زبان فارسی، اعتماد، مترادف با تکیه کردن، وا گذاشتن کار به کسی، اطمینان، وثوق و باور؛ و در زبان لاتین، معادل کلمه ایمان^۱ به کار گرفته شده است. در ریشه این کلمه، مفهوم وثوق و تسلیم در برابر اراده دیگری نهفته است (امیر کافی، ۱۳۷۵). اعتماد، فرایندی است که یک بعد آن، اعتماد اجتماعی و بعد دیگر آن، اعتماد فردی است و بر این اساس، از اعتمادشونده و اعتمادکننده صحبت می‌شود (محسنی تبریزی، ۱۳۸۰: ۵).

اعتماد نوعی روحیه جمعی ایجاد کرده و زمینه را برای مشارکت در امور فراهم می‌سازد. هم‌چنین، اعتماد را می‌توان جزئی از سرمایه اجتماعی به حساب آورد. به

^۱ - faith

سخن دیگر، سرمایه اجتماعی در سطح جامعه زمانی بالا خواهد بود که بین گروه‌های مختلف، پیوندهای مثبت و مبتنی بر اعتماد وجود داشته باشد (شارع‌پور، ۱۳۸۰: ۵). در تعریف عملیاتی اعتماد، باید بتوانیم این مفهوم را در قالب مفاهیم قابل مشاهده و اندازه‌گیری درآوریم. برای سنجش اعتماد ابعاد مختلفی در نظر گرفته می‌شود. ولی با توجه به تحقیقات اولیه و نیز پرسشنامه مقدماتی، در نهایت، ابعادی که برای سنجش اعتماد در نظر گرفته شد. عبارت‌اند از اعتماد مردم به یکدیگر، اعتماد به شورا و اعتماد به مسئولان. این شاخص‌ها باهم ترکیب شده، مفهوم اعتماد اجتماعی را می‌سازند.

مشارکت: آلن بیرو در فرهنگ علوم اجتماعی در بحث از مشارکت آن را چنین توضیح می‌دهد: مشارکت به معنای سهمی در چیزی یافتن و از آن سود بردن یا در گروهی شرکت جستن و با آن همکاری کردن است (متین ۱۳۷۲: ۱۱۵). مشارکت از لحاظ لغوی به معنی شرکت دو جانبه و متقابل افراد برای انجام دادن امری می‌باشد و از نظر جامعه‌شناختی، نوعی فرآیند تعاملی چند سویه است (ازکیا و غفاری، ۱۳۸۰: ۱۱).

هم چنین مشارکت را نوعی کنش هدفمند نیز دانسته‌اند که در فرایندهای تعاملی بین کنشگر و محیط اجتماعی او در جهت نیل به هدف‌های معین و از پیش تعیین شده نمود پیدا می‌کند. در نگاهی دیگر، مشارکت را فرایند آگاهانه تقسیم قدرت و منابع کمیاب و فراهم‌سازی فرصت برای رده‌های پایین جامعه و بهبود شرایط زندگی آنها عنوان نموده‌اند.

مشارکت اجتماعی، مشارکتی است که از متن جامعه برمی‌آید و نیز عرصه‌های مختلف حیات اجتماعی را در بر می‌گیرد. بنابراین، مشارکت اجتماعی را می‌توان فرآیند سازمان یافته‌ای دانست که افراد جامعه به صورت آگاهانه، داوطلبانه و جمعی با در نظر داشتن هدف‌های معین و مشخص که منجر به سهم شدن در منابع قدرت می‌گردد، در آن شرکت می‌کنند. مشارکت اجتماعی را می‌توان نوعی سرمایه اجتماعی دانست. سرمایه‌گذاری افراد از طریق مشارکت آنها در امور می‌تواند موجب

۱۷ □ تاثیر اعتماد اجتماعی بر مشارکت با تاکید بر نقش و عملکرد شوراهای اسلامی

افزایش تعلق اجتماعی در بین افراد جامعه گردد و چون افراد احساس می‌کنند که خود، سازنده جامعه هستند، روزبه‌روز در پیشبرد اهداف توسعه‌ای محله، منطقه، شهر یا روستای خود خواهند کشید.

مشارکت اجتماعی از لحاظ عملیاتی می‌تواند با چندین شاخص تعریف و اندازه‌گیری شود. در این پژوهش، شاخص‌های به کار رفته، شرکت در انجمنهای گروهی و جمعی، اظهارنظر در امور مختلف شهر، شرکت در جلسات شورای شهر، پرداخت بموقع عوارض نوسازی و شرکت در انتخابات مختلف‌اند. هر پنج شاخص در سطح رتبه‌ای هستند و در ترکیب با هم مفهوم مشارکت اجتماعی را می‌سازند. شاخص‌های مذکور براساس مقیاس چپین^۱ انتخاب شده‌اند و این مقیاس به کرات مورد استفاده قرار گرفته است.

عملکرد شورا: در ارزیابی عملکرد شورا، معیارهای اصلی عبارت‌اند از: کارآیی در سیستم مدیریت شهری و پاسخگویی به خواسته‌های شهروندان (ساکنان محل). اطلاعات در مورد فعالیت شوراها را می‌توان در چهار بعد جمع‌آوری نمود:

۱- مدیریت داخلی (شورا به عنوان سازمان اداری تا چه حد موفق بوده است)

۲- مصوبات (چه نوع مصوبات و برنامه‌ریزی‌هایی در شورای شهر و روستا

انجام گرفته)

۳- اجرای مصوبات

۴- مشارکت مردم و ارتباط با آنها (تا چه حد امکان اظهار درخواستهای مردم به

شورا وجود داشته است)

در اینجا نخست، باید به وظایف شوراهای شهر و روستا که در قانون آمده، اشاره کرد:

۱- انتخاب شهردار به مدت چهار سال؛

۲- برنامه‌ریزی در خصوص مشارکت مردم در انجام خدمات اجتماعی، اقتصادی،

عمرانی، فرهنگی، آموزشی و سایر امور رفاهی با موافقت دستگاه‌های ذی‌ربط؛

^۱ - chapin

۳- اقدام در خصوص تشکیل انجمن‌ها و نهادهای اجتماعی امدادی، ارشادی و تاسیس تعاونی‌های تولید، توزیع و مصرف و نیز انجام آمارگیری، تحقیقات محلی با توافق دستگاه‌های ذی‌ربط؛

۴- نظارت بر حسن جریان دعوی مربوط به شهرداری؛

۵- نظارت بر امور بهداشت حوزه شهر؛

۶- نظارت بر اجرای طرح‌های مربوط به ایجاد و توسعه معابر، خیابانها، میادین و فضاهای سبز و تاسیسات عمومی شهر بر طبق مقررات؛

۷- تصویب نرخ خدمات شهرداری و سازمانهای وابسته به آن با رعایت آیین‌نامه مالی و معاملات شهرداری‌ها؛

۸- همکاری با مسئولان اجرایی، نهادها و سازمانهای دولتی در زمینه‌های مختلف اجتماعی، فرهنگی، آموزشی، اقتصادی، عمرانی بنابه درخواست آنان.

ارزیابی عملکرد شورا را می‌توان به عنوان یک مفهوم با شاخص‌های متعددی سنجید؛ از جمله: اهمیت اعضای شورا در نزد مردم، نقش شورا در تشویق افراد به کارهای گروهی، نقش شورا را در فراهم کردن زمینه اظهارنظر برای افراد. نقش شورا در ایجاد روحیه همکاری در بین مردم، نقش شورا در تسهیل عملیات اجرایی شهر، عمل گروه شورا به قوانین و مقررات نقش شورا در جلوگیری از اقتدار فردی، استفاده از نظرات و دیدگاه‌های مردم، سهم مردم در تصمیم‌گیری‌های مختلف و اطمینان کردن به مردم در اجرای امور مختلف شهر، تشکیل بموقع و منظم جلسات، ارتباط با مسئولان اجرایی و نهادهای دولتی، میزان هماهنگی، همکاری و وحدت‌نظر با اعضای شورا، جلب و جذب منابع جدید درآمدی و ابتکارات عمرانی، فعالیت در راستای بهینه‌سازی و ساخت و ساز معابر، تلاش در جهت افزایش اعتماد در بین افراد نسبت به یکدیگر، میزان استفاده از بولتن‌ها و گزارش‌ها و وسایل ارتباط جمعی به منظور آگاهی‌دهی به مردم، تبادل اطلاعات و تجربیات شورایی و تهیه بیان فعالیت‌های شورا و ...

آشنایی با اعضای شورا

مفهوم آشنایی با اعضای شورا به عنوان متغیر مستقل در قالب سوالی با این مضمون از افراد مختلف پرسیده شده است: تا چه حد با اعضای شورا آشنایی دارید؟ منظور از این سوال این است که هرچه افراد آشنایی بیشتری با اعضای شورا و شناخت بهتری از آنان داشته باشند، بهتر و راحت تر می‌توانند با شورا همکاری داشته باشند.

احساس کارآیی و توانمندی

مفهوم احساس مردم از کارآیی و توانمندی شورا در قالب یک سوال مطرح شده است. در اینجا فرض بر این است که هر چه مردم احساس مثبتی از توانمندی و کارآیی شورا داشته باشند، تمایل به مشارکت در بین آنها بالا خواهد بود. حوزه مورد مطالعه: استان آذربایجان شرقی دارای ۱۶ شهر بزرگ است که براساس شاخص‌های توسعه (آموزش، فرهنگ، بهداشت و درمان، اشتغال، مسکن و جمعیت) به این صورت تقسیم‌بندی می‌شوند:

جدول شماره ۲ تقسیم‌بندی شهرهای استان آذربایجان شرقی براساس شاخص‌های توسعه

نام شهر	توسعه	نمره شاخص	میانگین نمره توسعه	فراوانی مطلق	فراوانی نسبی
تبریز، مرند، مراغه	توسعه بالا	-۳۳/۱۳ ۲۵/۸	۲۹/۱۱	۳	۲۱/۴۲
ملکان، میانه، جلفا، سراب، بناب، شبستر	توسعه متوسط	-۲۵/۷۹ ۱۸/۴۸	۲۰/۵۷	۶	۴۲/۸۷
کلیبر، هشتگرد، هریس، بیستان‌آباد، اهر	توسعه کم	-۱۸/۷۴ ۱۱/۵	۱۳/۸۵	۵	۳۵/۷۱

جامعه آماری

در این پژوهش، جمعیت بالای ۱۶ سال استان آذربایجان شرقی است که با در نظر گرفتن شاخص‌های توسعه تعدادی از شهرها و نیز مرکز استان (شهر تبریز) به

عنوان نمونه از جامعه آماری انتخاب شده‌اند. در این تحقیق از آخرین سرشماری سال ۱۳۷۵ برای شهرهای استان آذربایجان شرقی استفاده شده است. در سال ۱۳۷۵، استان آذربایجان شرقی، جمعیتی حدود ۳۳۲۵۵۴۰ نفر داشته است. از بین شهرهای مختلف، برحسب شاخص‌های توسعه، علاوه بر مرکز استان، سه شهر به صورت تصادفی انتخاب شده‌اند که عبارت‌اند از: میانه (توسعه در حد متوسط)، مراغه (توسعه در حد بالا) و اهر (توسعه در حد کم). تبریز دارای نمره شاخص توسعه ۳۳/۳ و مراغه ۲۸/۴، میانه دارای نمره ۲۵/۸ و اهر دارای نمره شاخص بالا برابر با ۱۵/۹۸ می‌باشد.

با توجه به امکانات مالی و فرصت‌های زمانی محدود بررسی تمامی شهرهای استان و نمونه‌گیری از همه آنها مقدور نبوده است. بنابراین از هر طبقه یک شهر به عنوان نمونه انتخاب شده است. حجم نمونه با توجه به فرمول نمونه‌گیری ۶۳۰ نفر در نظر گرفته شده و با توجه به وزن جمعیتی شهر تبریز، از این شهر ۴۵۰ نفر به عنوان حجم نمونه انتخاب و برای شهرهای دیگر به تناسب، نمونه موردنظر برگزیده شده است: میانه ۷۰ نفر، مراغه ۶۰ نفر و اهر ۵۰ نفر.

روش نمونه‌گیری

روش نمونه‌گیری از نوع احتمالی طبقه‌بندی خوشه‌ای چند مرحله‌ای است. در مرحله اول از روی نقشه جغرافیایی هر شهر، محلات مختلف آن شناسایی گردیده و هر مرحله به عنوان یک خوشه در نظر گرفته شده است. مثلاً شهر تبریز به ۵۰ خوشه یا محله تقسیم شده است. به دلیل اینکه ممکن است نظرات افراد در محله‌ها (خوشه‌های) مختلف باهم متفاوت باشد و برای اینکه نمونه، معرف افکار عمومی در کل محلات باشد، از هر محله ۹ نفر به صورت تصادفی انتخاب شده است. به همین صورت مراغه به ۶ خوشه بزرگ تقسیم و از هر خوشه ۱۰ نفر انتخاب شده، میانه به ۱۰ محله و از هر محله ۷ نفر و شهر اهر به ۵ محله تقسیم و از هر محله یا خوشه ۱۰ نفر به عنوان نمونه برگزیده شده است.

نوع و ابزار تحقیق و شیوه استخراج داده‌ها

روش تحقیق در این پژوهش، از نوع پیمایشی است و ابزار تحقیق، پرسشنامه است. پرسشنامه‌ها در قالب طیف لیکرت تنظیم شده و هر سوال به عنوان یک متغیر یا شاخص در نظر گرفته شده است. پس از جمع آوری اطلاعات، داده‌های مربوطه طبقه‌بندی شده و با استفاده از برنامه SPSS و با توجه به سطح سنجش متغیرها، آزمونهای مربوط شناسایی شده و تجربه و تحلیل آماری صورت گرفته است. در این پژوهش از آماری توصیفی (جداول توافقی و مقایسه میانگین‌ها) و آمارهای استنباطی (آنالیز واریانس و تحلیل مسیر) در سنجش وجود و شدت رابطه بین متغیرهای مستقل و وابسته استفاده شده است.

بحث و بررسی

۱- یافته‌های توصیفی:

بنابر یافته‌های توصیفی تحقیق، اکثر پاسخگویان در سنین ۲۰ تا ۲۴ سال بوده‌اند (۲۶/۷) و کمترین فراوانی مربوط به افراد ۶۵ سال و بالاتر بوده است (۰/۲ درصد). ۶۴/۳ درصد پاسخگویان را مردان و ۳۵/۷ درصد (۲۵۵ نفر) آنان را زنان تشکیل داده‌اند. از نظر میزان تحصیلات، بیشترین فراوانی مربوط به افراد دارای تحصیلات دیپلم بوده است (۵۵/۳ درصد) و کمترین فراوانی مربوط به افراد دارای مدرک دکتری است (۰/۶ درصد).

جدول شماره ۳ جدول فراوانی مربوط به میزان تحصیلات پاسخگویان

میزان تحصیلات	فراوانی مطلق	فراوانی نسبی متغیر
ابتدایی	۳۴	۵/۳
سوم راهنمایی	۳۶	۵/۸
دیپلم	۳۴۹	۵۵/۶
فوق دیپلم	۷۳	۱۱/۶
لیسانس	۱۲۰	۱۹/۱
فوق لیسانس	۱۱	۱/۸
دکتری	۴	۰/۶
جمع	۶۳۰	۱۰۰

طبق یافته‌های توصیفی در مورد میزان مشارکت اجتماعی در بین مردم، بیش از نیمی از افراد تمایل زیادی به مشارکت نشان می‌دهند و فقط ۳/۶ درصد از افراد تمایل کمی به مشارکت در انجمن‌ها، شرکت در جلسات شورا، اظهارنظر در امور مختلف و ... دارند.

در مورد میزان اعتماد اجتماعی در بین مردم می‌توان نتیجه گرفت که نزدیک به نیمی از پاسخگویان (۴۹/۶ درصد) دارای اعتماد اجتماعی در حد متوسط هستند. در بین ۲۴ درصد افراد (۱/۴ پاسخگویان)، میزان اعتماد اجتماعی متوسط به بالا و بالاست و در مقابل، ۲۶/۷ درصد از افراد بالای اعتماد اجتماعی در حد متوسط به پایین یا اعتماد اجتماعی در حد پایینی هستند.

در مورد میزان ارزیابی مردم از عملکرد شورا، در کل، نیمی از پاسخگویان (۵/۱ درصد) عملکرد شورا را در حد متوسطی ارزیابی کرده‌اند و ۲۶/۶ درصد افراد این عملکرد را بالا ارزیابی می‌کنند و حدود ۲۰ درصد نیز عملکرد شورا را در شهر خودشان متوسط به پایین ارزیابی کرده‌اند.

در مورد این سوال که مردم تا چه حد شورای شهر خود را کارآ و توانمند می‌دانند، ۶۶ درصد افراد موافق و کاملاً موافق با این ایده بوده‌اند که شورای شهر می‌تواند با رفع مشکلات جامعه، دارای کارآیی بالایی باشد و در این میان، ۲۲ درصد پاسخگویان نیز مخالف این عقیده بوده‌اند که شورای شهر نقش زیادی در رفع مشکلات جامعه ایفا می‌کند. ۱۲/۳ درصد نیز در این مورد بی‌نظر بوده‌اند. در مورد میزان آشنایی مردم با اعضای شورا، ۵۱/۴ درصد پاسخگویان اظهار داشته‌اند که آشنایی کم و خیلی کم با اعضای شورا دارند و در مقابل، فقط ۱۳ پاسخگویان اظهار داشته‌اند که دارای شناخت بالایی از اعضای شورا هستند. ۳۵/۵ درصد از شهروندان نیز اعضای شورا را تا حدی می‌شناسند.

۲۳ □ تاثیر اعتماد اجتماعی بر مشارکت با تاکید بر نقش و عملکرد شوراهای اسلامی

جدول شماره ۴ جدول فراوانی مربوط به میزان ارزیابی مردم از موفقیت شورا

ارزیابی از موفقیت شورا	فراوانی مطلق	فراوانی نسبی معتبر
خیلی زیاد	۱۴	۲/۲
زیاد	۶۹	۱۱/۰
تا حدودی	۲۰۱	۳۲/۱
کم	۲۱۴	۳۴/۱
خیلی کم	۱۲۹	۲۰/۴
جمع	۶۳۰	۱۰۰/۰

مطابق جدول بالا، می‌توان گفت: بیش از نیمی از پاسخگویان (۵۴/۷ درصد) اظهار داشته‌اند که شورای شهر خیلی کم و کم موفق بوده است و در مقابل، فقط ۱۳/۲ درصد معتقدند که شورای شهر موفقیت زیادی داشته است. ۳۲ درصد مردم نیز شورا را تا حدودی موفق می‌دانند.

جدول شماره ۵ جدول مربوط به میزان اعتماد مردم به شورا

ارزیابی از موفقیت شورا	فراوانی مطلق	فراوانی نسبی معتبر
خیلی زیاد	۱۹	۳/۰
زیاد	۵۷	۹/۱
تا حدودی	۲۴۳	۳۸/۸
کم	۱۵۹	۲۵/۴
خیلی کم	۱۴۸	۲۳/۶
جمع	۶۳۰	۱۰۰/۰

در مورد میزان اعتماد مردم به اعضای شورا، مطابق جدول بالا مشاهده می‌کنیم که نزدیک به نیمی از پاسخگویان (۴۹ درصد) اعتماد کم و خیلی کم به اعضای شورا دارند و در مقابل، فقط ۱۲/۱ درصد به اعضای شورا اعتماد می‌کنند. در این میان، ۳۸/۸ درصد از شهروندان تا حدودی به اعضای شورا اعتماد دارند.

۲- یافته‌های استنباطی

یافته‌های استنباطی تحقیق با استفاده از تحلیل دومتغیره و چندمتغیره به دست آمده است و در تحلیل دومتغیره‌ها مبنی بر رابطه بین اعتماد اجتماعی و عوامل موثر بر آن، متغیرهای احساس مردم از کارآیی و توانمندی شورا، میزان آشنایی مردم با اعضای شورا و ارزیابی مردم از عملکرد شورا به عنوان متغیر مستقل و اعتماد اجتماعی به عنوان متغیر وابسته وارد معادله رگرسیونی شده‌اند. مقدار F برابر $۱۵۷/۶۴$ در سطح ۵ درصد معنی‌دار است و نشان‌دهنده وجود رابطه بین متغیر وابسته و متغیرهای مستقل است. به علاوه، مقدار R^2 به دست آمده برابر با $۰/۴۵$ نشان می‌دهد که متغیرهای مستقل می‌توانند به میزان ۴۵ درصد تغییرات متغیر وابسته را تبیین کنند.

در بین متغیرهایی که وارد معادله رگرسیونی شده‌اند، متغیر ارزیابی از عملکرد شورا دارای بیشترین وزن بتا ($۰/۶۴$) و در مقابل، متغیر احساس مردم از کارآیی و توانمندی شورا دارای کمترین وزن بتا (کمتر از $۰/۰۵$) می‌باشد. بنابراین می‌توان گفت: متغیر احساس مردم از عملکرد شورا دارای بیشترین درصد تبیین (تاثیر بر روی متغیر مستقل) است. با حذف متغیر احساس مردم از کارآیی و توانمندی شورا می‌توان معادله رگرسیونی مبنی بر رابطه بین عوامل موثر بر اعتماد و اعتماد اجتماعی را به این صورت نوشت:

$$Y = - ۰/۷۴۷ + ۰/۶۳۶ X_1 - ۰/۰۹۶ X_2$$

در این رابطه متغیر X_1 و X_2 به ترتیب نماینده ارزیابی عملکرد شورا و آشنایی با اعضای شورا هستند. بنابراین در مجموع می‌توان گفت: از میان سه متغیر که با اعتماد اجتماعی در رابطه گذاشته می‌شوند، فقط دو متغیر می‌توانند میزان تغییرات متغیر مستقل را تبیین نمایند. مقدار F پیرسون برای دو متغیر ارزیابی از عملکرد شورا و اعتماد اجتماعی برابر $۰/۶۷$ است که نشان‌دهنده رابطه متوسط به بالا بین دو متغیر می‌باشد.

۲۵ □ تاثیر اعتماد اجتماعی بر مشارکت با تاکید بر نقش و عملکرد شوراهای اسلامی

برای سنجش وجود یا فقدان رابطه بین اعتماد اجتماعی به عنوان متغیر مستقل و مشارکت اجتماع به عنوان متغیر وابسته از آزمون رگرسیون استفاده گردید. مقدار F در سطح ۵ درصد نشان دهنده معنی داری رابطه بین دو متغیر است. مقدار ضریب تبیین نشان می دهد که متغیر مستقل به میزان ۲۳ درصد می تواند تغییرات متغیر وابسته را تبیین نماید. ۷۷ درصد در صد تغییرات متغیر وابسته به صورت تبیین نشده باقی می ماند.

در مورد رابطه بین محل سکونت و ارزیابی مردم از موفقیت شورا، با استفاده از آزمون میانه می توان نتیجه گرفت که رابطه بین دو متغیر در سطح ۵ درصد معنی دار نیست. به عبارت دیگر، می توان گفت بین شهرهای مختلف (نمونه های مختلف) در مورد ارزیابی از موفقیت شورا تفاوتی وجود ندارد و این تفاوت معنادار نیست و از نظر ارزیابی از موفقیت شورا، همسان تلقی می شوند. بنابر آزمون آنالیز واریانس تفاوت بین شهرهای مختلف از نظر اعتماد اجتماعی معنادار نیست همچنین بنابر آزمون Tukey و Scheffe می توان گفت که بین میانگین شهرهای مختلف در مورد میزان اعتماد اجتماعی تفاوت چندانی وجود ندارد (۰/۱۴۱۲ p). در سنجش رابطه بین متغیرهای جمعیتی مانند سن، جنس، میزان درآمد، وضع تاهل و میزان تحصیلات و محل سکونت و متغیر اعتماد اجتماعی افراد می توان نتیجه گرفت:

بین متغیر جنس و اعتماد اجتماعی رابطه وجود دارد و این رابطه معنادار است. به عبارت دیگر، مردان و زنان از لحاظ اعتماد باهم تفاوت دارند. در پژوهشی که مهدی امیرکافی در سال ۱۳۷۵ انجام داده نیز این نتیجه به دست آمده که میزان اعتماد در بین مردان بیش از زنان بوده است، (امیرکافی، ۱۳۷۵) به علاوه مطابق نظر لیپست نیز مردان بیش از زنان مایل هستند در امور جمعی مشارکت نمایند و اعتماد یکی از مولفه های مهم و موثر بر مشارکت آنهاست. بنابراین این پژوهش، نظر لیپست را تایید می کند.

بین متغیر سن و میزان اعتماد اجتماعی رابطه وجود دارد و منفی بودن مقدار $F = - (۲/۹۱۱)$ نشان می دهد، هرچه سن بالاتر می رود، از میزان اعتماد اجتماعی

کاسته می‌شود. بنابراین رابطه بین دو متغیر معکوس است. تحقیقات انجام گرفته در کشورهای اروپایی نشان‌دهنده وجود رابطه بین سن اعتماد و مشارکت می‌باشد. به علاوه تحقیق امیرکافی، وجود رابطه بین سن و اعتماد را نشان می‌دهد.

مطابق تحقیقات لیپست، افراد در سنین متوسط بیش از سالخوردگان و نوجوانان تمایل به شرکت در امور جمعی و اعتماد به دیگران دارند. این آزمون، نظر لیپست را در مورد وجود رابطه دو متغیر تایید می‌کند (محسنی تبریزی، ۱۳۷۳).

بین وضعیت تاهل و اعتماد رابطه‌ای معنادار برقرار است؛ پس می‌توان گفت متاهلان و مجردین از لحاظ میزان اعتماد اجتماعی با همدیگر تفاوت دارند. بنا به نتایج به دست آمده از تحقیق امیرکافی، میزان اعتماد اجتماعی در افراد متاهل در حد متوسط به بالا می‌باشد و نیز طبق نظریه لیپست، متاهلین بیش از مجردین به شرکت در انتخابات تمایل دارند. در این تحقیق این نظر نیز تایید می‌شود.

رابطه بین درآمد و میزان اعتماد اجتماعی، معنادار مشاهده نشد. ($F=0/627$ - سطح معناداری F). برخلاف تحقیقات هانتیگتون و نلسون بین درآمد میزان اعتماد و مشارکت رابطه وجود دارد و هر چه افراد از لحاظ اقتصادی و درآمدی وضع بهتری داشته باشند، کمتر تمایل به مشارکت از خود نشان می‌دهند یا اینکه با انتقال به مشاغل پرمنزلت‌تر و یا کسب درآمد بیشتر، افراد معمولاً از مشارکت در سیاست و فعالیت اجتماعی صرف‌نظر می‌کنند (هانتیگتون و نلسون، ۱۹۷۶: ۵۳).

مطابق این پژوهش، در بین اقشار مختلف مردم، میزان اعتماد متفاوت نیست. البته این عدم معناداری شاید ناشی از این باشد که افراد معمولاً تمایلی به بیان میزان درآمد واقعی خود ندارند. همچنین می‌توان گفت: به علت توزیع نابرابر درآمدها در سطح جامعه و شکاف عمیق بین طبقات، به طور کلی، نارضایتی در بین همه اقشار درآمدی وجود دارد و با افزایش نارضایتی، میزان اعتماد اجتماعی کاهش یافته، از تمایل به مشارکت نیز کاسته می‌شود.

مطابق یافته‌های تحقیق، بین متغیر میزان تحصیلات و میزان اعتماد اجتماعی رابطه معناداری مشاهده نشد. بنابراین می‌توان گفت: تفاوت مشاهده شده ناشی از خطای نمونه‌گیری یا علت دیگری است.

نتایج به دست آمده از تحقیقات شت^۱ و لرنر^۲ رابطه معناداری بین میزان سواد و تحصیل و مشارکت و همبستگی بین آنها نشان می‌دهد. در پژوهش دکتر منوچهر محسنی، تفاوت زیادی بین افراد دارای تحصیلات لیسانس و بالاتر و افراد با تحصیلات ابتدایی از نظر میزان اعتماد اجتماعی وجود دارد. هم‌چنین، طبق نظریه لیپست، میزان مشارکت و اعتماد در بین تحصیل کرده‌ها بیشتر از افراد تحصیل نکرده است و از دیدگاه هانتیگتون و نلسون نیز از میان متغیرهای منزلتی، میزان سواد و تحصیلات فرد، بیشترین تاثیر را بر مشارکت سیاسی دارد. با افزایش تحصیلات، افراد از درآمد مناسب نیز برخوردار می‌شوند. بهبود وضع اقتصادی، خود احساس رضایت و اعتماد در فرد ایجاد می‌کند. در نتیجه تمایل به مشارکت نیز در او افزایش خواهد یافت.

برخلاف تحقیقات لرنر که معتقد است بین محل سکونت (شهری یا روستایی بودن) و میزان مشارکت رابطه وجود دارد. در این پژوهش، وجود رابطه بین این دو متغیر تایید نشد. لرنر نتیجه افزایش شهرنشینی را افزایش میزان آگاهی از طریق تحصیلات و افزایش شرکت در تشکلهای اجتماعی می‌داند و برخلاف تحقیق لیپست و دوز و یا نتایج مطالعات راجرز، که وجود رابطه بین این دو متغیر را تایید می‌کند، نتایج به دست آمده از این پژوهش، وجود رابطه را تایید نمی‌نماید.

- این پژوهش نظر هانتیگتون و نلسون را تایید می‌نماید که هر چه احساس کارآیی و توانمندی در بین شهروندان بالا باشد، باعث تشویق آنان به مشارکت سیاسی و اجتماعی می‌گردد. به علاوه نظر آلموند و وربا مبنی بر اینکه اگر فرد

^۱ - Sheth

^۲ - Lerner

احساس کند می‌تواند در حکومت تاثیر بگذارد، این امر در میزان مشارکت او در امور جمعی موثر است، با این آزمون تایید می‌شود.

در تحلیل سه متغیره مبنی بر اثر کنترلی متغیرهای جمعیتی بر روی متغیر اعتماد اجتماعی و مشارکت اجتماعی می‌توان جدول زیر را ارائه کرد:

جدول شماره ۶ اثر کنترلی متغیرهای جمعیتی بر متغیر اعتماد اجتماعی و مشارکت اجتماعی

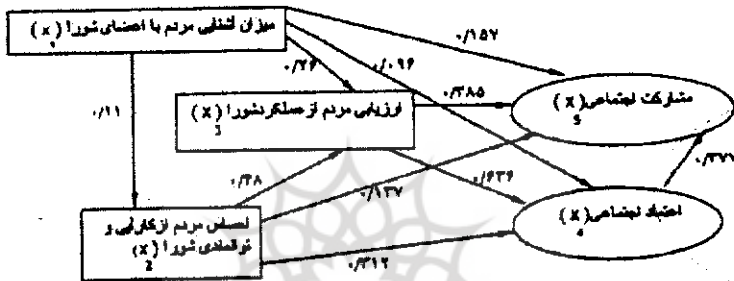
متغیرها	R	مجدور R	Beta	F	Sig
اعتماد و مشارکت	۰/۴۸۷	۰/۲۳۸	۰/۴۸۷	۱۸۳/۲۶۳	۰/۰۰۰
اعتماد و مشارکت و سن	۰/۴۸۸	۰/۲۳۸	۰/۴۸۷	۹۱/۵۸۳	۰/۰۰۰
اعتماد و مشارکت و جنس	۰/۴۸۸	۰/۲۳۸	۰/۴۸۷	۹۱/۵۰۳	۰/۰۰۰
اعتماد و مشارکت و وضع تاهل	۰/۴۹۰	۰/۲۴۰	/۴۸۰	۹۲/۴۹۳	۰/۰۰۰
اعتماد و مشارکت و تحصیلات	۰/۴۹۳	۰/۲۴۳	/۴۹۰	۹۳/۸۳۴	۰/۰۰۰
اعتماد و مشارکت و نوع شغل	۰/۴۹۴	۰/۲۴۴	۰/۴۸۹	۵۴/۹۳۰	۰/۰۰۰
اعتماد و مشارکت و درآمد	۰/۵۱۵	۰/۲۶۵	۰/۶۱۳	۵۴/۰۳۵	۰/۰۰۰

از این جدول برمی‌آید که با ورود متغیرهای جمعیتی به آزمون رابطه بین اعتماد اجتماعی و مشارکت اجتماعی، برخی از متغیرها نتوانسته‌اند مقدار R^2 را در رابطه بین دو متغیر تغییر دهند. به سخن دیگر، این متغیرها اثر کنترلی بر رابطه اعتماد اجتماعی و مشارکت اجتماعی نداشته‌اند. متغیرهای موردنظر عبارت‌اند از: سن، جنس و وضع تاهل. در بین متغیرهای کنترلی تاثیرگذار بر رابطه متغیر اعتماد اجتماعی، متغیر درآمد بیش از همه متغیرها بر روی رابطه اعتماد و مشارکت تاثیر داشته است.

در پایان، برای اینکه بتوانیم مدل تحلیلی خود را بسنجیم و مسیرهای دقیق و میزان ضریب آنها را مشخص کنیم، از تحلیل مسیر استفاده کردیم. با تحلیل مسیر می‌توان میزان تاثیر مستقیم و غیرمستقیم هر متغیر بر متغیر دیگر را سنجید و نیز تاثیرات کل متغیرهای مستقل و وابسته را به دست آورد. در اینجا از روش (گام به

۲۹ □ تاثیر اعتماد اجتماعی بر مشارکت با تاکید بر نقش و عملکرد شوراهای اسلامی

گام^۱ استفاده می‌کنیم. این روش متغیرهای مهم را شناسایی کرده، مورد توجه قرار می‌دهد. کامپیوتر در روش گام به گام، در سه مرحله، متغیرها را وارد معادله رگرسیونی می‌نماید و در هر مرحله، میزان R و ضرایب تبیین و نیز بتاهای مربوط یا ضرایب مسیر را می‌سنجد. با جمع‌بندی نمودارهای مسیر، می‌توان مدل تحقیق را به صورت زیر ترسیم نمود.



نمودار شماره ۳، مدل نهایی حاصل از تحلیل مسیر

با توجه به مدل تحلیلی می‌توان اثرات علی متغیرها بر همدیگر را سنجید که عبارت‌اند از:

- ۱- کل اثر علی میزان آشنایی مردم با اعضای شورا بر روی مشارکت اجتماعی برابر است با ۰/۲۹۶۱.
- ۲- کل اثر علی متغیر احساس مردم از کارایی و توانمندی شورا بر مشارکت اجتماعی برابر است با ۰/۳۶۹۶.
- ۳- کل اثر علی متغیر ارزیابی مردم از عملکرد شورا بر مشارکت اجتماعی برابر است با ۰/۶۲۴۷.

¹ - stepwise

۴- کل اثر علی متغیر اعتماد اجتماعی بر روی مشارکت اجتماعی برابر است با ۰/۳۷۷.

در مقایسه اثرات علی متغیرهای مختلف بر روی متغیر مشارکت اجتماعی می‌توان گفت که متغیر ارزیابی مردم از عملکرد شورا دارای بیشترین اثر بر روی متغیر مشارکت اجتماعی می‌باشد (۰/۶۲۴۷). به عبارت بهتر، متغیر ارزیابی مردم از عملکرد شورا مهم‌ترین عامل در میزان مشارکت اجتماعی محسوب می‌گردد و اگر مردم ارزیابی بهتری از عملکرد شوراهای شهر و محله خودشان داشته باشند، تمایل بیشتری به مشارکت در امور اجتماعی و فعالیت‌های جمعی خواهند داشت.

پیشنهادها

امروزه، بحث شوراهای پیش از هر زمان دیگری مفید، کارآمد و کارکردی است و در شرایط کشور ما، ارتباط مردم با شوراهای اسلامی و در اصل، تقویت شوراهای امری ضروری و اجتناب‌ناپذیر محسوب می‌شود. در پایان سخن می‌توان برخی پیشنهادها و راهکارها را برای تقویت شوراهای و برقراری ارتباط بیشتر مردم و شوراهای مطرح کرد:

۱- بالا بردن اختیارات شوراهای در چارچوب قوانین و مقررات و تقویت آنها می‌تواند انتظارات مردم از دولت را تعدیل کند و حضور مردم را در صحنه مشارکت نهادینه سازد؛ نارضایتی را کاهش دهد و نوعی احساس مسئولیت در مقابل دیگران و مسایل جامعه و احساس رضامندی را جایگزین آن سازد و همبستگی و انسجام ملی را تقویت نماید.

۲- تلاش مسئولان در جهت ایجاد انگیزش در مردم برای مشارکت در امور اجتماعی و هموار ساختن زمینه‌های مشارکت می‌تواند از راه تقویت هویت ملی و فرهنگی کشور صورت گیرد. با احیای زمینه یادگیری و ایجاد انگیزش و زمینه‌های مشارکت در بین مردم و تشویق آنان به انجام امور خیریه و شرکت در فعالیت‌های جمعی و عام‌المنفعه می‌توان بعد فرهنگی توسعه را گسترش داد.

۳- رسانه‌های جمعی، در اعتمادسازی و ترویج فرهنگ مشارکت در بین اقشار مختلف جامعه نقش مهمی دارند. این رسانه‌ها می‌توانند با تقویت فرهنگ بومی،

۳۱ □ تاثیر اعتماد اجتماعی بر مشارکت با تاکید بر نقش و عملکرد شوراهای اسلامی

فرهنگ تعاون و یادگیری را در بین آحاد جامعه تقویت کنند و نیز از طریق آگاهی‌دهی عمومی و اطلاع‌رسانی دقیق پلی بین مردم و دولتمردان باشند و با ایجاد اعتماد متقابل در بین افراد جامعه ارتباط بین مردم و مسئولین را هموار کنند؛ چرا که بدون اعتماد، هیچ مشارکتی در جامعه پا نمی‌گیرد و راه توسعه و پیشرفت جامعه از اعتماد به سوی مشارکت و از مشارکت به سوی توسعه است.

۴- از طریق رفع برخی تبعیض‌ها و نابرابری‌ها در سطح جامعه می‌توان نوعی اعتماد عمومی و احساس رضایت جمعی در بین افراد ایجاد نمود. فراهم کردن تسهیلات و امکانات برای اقشار کم‌درآمد و تعدیل درآمدها می‌تواند تا حدی از فشارهای موجود کاسته و میزان اعتماد اجتماعی را در بین مردم بالا ببرد. به علاوه تا زمانی که افراد در تلاش هستند از فشارهای موجود بر روی خانواده خود بکاهند، حل مسایل دیگران و جامعه و مشارکت در امور اجتماعی، در حاشیه قرار می‌گیرد.

۵- اعتماد مسئولان به مردم و پذیرفتن سلیقه‌ها و ظرفیت‌های مختلف، فاصله‌ها و دیوار بی‌اعتمادی بین مردم و نهادهای اجرایی را از بین می‌برد. به عبارت دیگر، دولتمردان با اعتماد به مردم می‌توانند از تک‌تک افراد جامعه به عنوان بازوهای اجرایی استفاده کنند و فضای مطلوبی در جهت بروز خلاقیت‌ها به وجود آورند. در سطح ارتباط مردم و شوراها نیز برگزاری جلسات عمومی بین مردم و اعضای شورا، فضای اعتماد بین مردم و شوراها و در نتیجه تمایل به مشارکت در فعالیت‌های جمعی را تقویت خواهد کرد.

۶- بالا بردن تخصص و مهارت در بین اعضای شوراهای اسلامی باعث بالا رفتن کارایی شوراها در سطح ملی منطقه‌ای خواهد بود و این نیز به نوبه خود، ارزیابی مردم از عملکرد شوراها را افزایش خواهد داد. به عبارت دیگر، افرادی که به عنوان اعضای شورا برگزیده می‌شوند، باید دارای اطلاعات و مهارت لازم در مورد مسایل شهری و برنامه‌ریزی برای مسایل اجرایی شهر خود باشند و به مشکلات شهر خود احاطه کافی داشته باشند.

۷- نکته مهم و نهایی که باید مورد تاکید قرار گیرد، آموزش اعضای شوراهای اسلامی و به روز کردن اطلاعات آنهاست. اعضای شوراهای اسلامی باید آگاهی کافی به رویدادهای مهم کشور داشته باشند و اگر در هر زمینه‌ای احساس نیاز کنند، می‌توان با ایجاد دوره‌های آموزشی، میزان آگاهی‌ها و مهارت‌های آنها را بالا برد.

منابع

- ۱- احمد آقایی، جعفر (۱۳۸۲)، «نقش شوراهای اسلامی در افزایش مشارکت روستاییان در طرح‌های توسعه»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.
- ۲- ازکیا، مصطفی (۱۳۷۴)، «جامعه‌شناسی توسعه»، تهران، نشر کلمه.
- ۳- ازکیا، مصطفی و غلامرضا غفاری (۱۳۸۰)، «بررسی رابطه بین اعتماد و مشارکت اجتماعی در نواحی روستایی شهر کاشان»، *نامه علوم اجتماعی*، شماره ۱۷، بهار و تابستان.
- ۴- امیرکافی، مهدی، (۱۳۷۵)، «اعتماد اجتماعی و عوامل موثر بر آن»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد پژوهش علوم اجتماعی، دانشگاه شهید بهشتی.
- ۵- امیری، مجتبی (۱۳۷۴)، «پایان تاریخ و بحران اعتماد، بازشناسی اندیشه‌های تازه فوکویاما»، *اطلاعات سیاسی و اقتصادی*، شماره ۶۷-۹۸.
- ۶- اینگلهارت، رونالد (۱۳۷۳)، «تحول فرهنگی در جامعه پیشرفت صنعتی»، ترجمه مریم وتر، تهران، نشر کویر.
- ۷- پورافکاری، نصرت... (۱۳۷۶)، «فرهنگ جامع روانشناسی و روانپزشکی»، چاپ دوم، تهران، نشر فرهنگ معاصر.
- ۸- حاجی ابراهیم‌زاده، تبسم (۱۳۸۳)، «سنجش عملکرد شوراهای اسلامی نمونه»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی توسعه، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.
- ۹- عباس‌زاده (۱۳۸۰)، «اعتماد اجتماعی و عوامل موثر بر آن»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد پژوهش علوم اجتماعی، دانشگاه تبریز.

۳۳ □□ تاثیر اعتماد اجتماعی بر مشارکت با تاکید بر نقش و عملکرد شوراهای اسلامی

۱۰- غلامی، محمد (۱۳۷۵)، «بررسی شوراهای اسلامی روستایی و تحلیل عملکرد

آنها»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.

۱۱- رضایی، عبدالعلی (۱۳۷۵)، «مشارکت اجتماعی، هدف یا وسیله»، *مجله*

اطلاعات سیاسی، اقتصادی، سال دهم، شماره ۱۰۹-۱۱۰، تهران.

۱۲- ریترز، جرج (۱۳۷۴)، «*نظریه‌های جامعه‌شناسی در دوران معاصر*»، ترجمه

محسن ثلاثی، تهران، انتشارات علمی.

۱۳- شارع‌پور، محمود (۱۳۸۰)، «فرسایش سرمایه اجتماعی و پیامدهای آن»،

نامه انجمن جامعه‌شناسی ایران، شماره ۳.

۱۴- کلنن، جیمز (۱۳۷۲)، «*بنیادهای نظریه اجتماعی*»، ترجمه منوچهر صبوری،

تهران، نشر نی.

۱۵- کاظمی جغتاب، حجت (۱۳۸۱)، «نقش اعتماد در سازمانهای علمی»،

پایان‌نامه کارشناسی ارشد پژوهش علوم اجتماعی، دانشگاه تبریز.

۱۶- لیبست، مارتین و دوز، رابرت (۱۳۷۳)، «*جامعه‌شناسی سیاسی*»، ترجمه

محمدحسین فرجاد، چاپ اول، تهران، انتشارات توس.

۱۷- متین، نعمت‌الله (۱۳۷۵)، «مبانی نظری مشارکت و ضرورت آن»، *مجله*

اطلاعات سیاسی، اقتصادی، شماره ۲۱۴-۲۱۵، تهران.

۱۸- محسنی تبریزی، علیرضا (۱۳۷۳)، «بررسی راه‌های جلب مشارکت مردمی

در برنامه‌های توسعه پایدار کشاورزی در روستاهای منطقه گرمسار»، گزارش منتشر

نشده، طرح تحقیقاتی اجرا شده در موسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی، بخش

روانشناسی اجتماعی، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران و معاونت طرح و برنامه

وزارت کشاورزی.

۱۹- محسنی تبریزی (۱۳۸۰)، «نمایه پژوهش»، *ویژه‌نامه اعتماد*، شماره اول.

۲۰- هانتیگتون، ساموئل (۱۳۷۵)، «*سازمان سیاسی در جوامع دستخوش*

دگرگونی»، ترجمه محسن ثلاثی، تهران، نشر علم.

۲۱- یوسفی، محمدرضا (۱۳۸۳)، «بررسی تاثیر سرمایه اجتماعی بر عملکرد شوراهای اسلامی (مطالعه موردی روستاهای کرمانشاه)»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران.

- 1- Almond, G and Verba, S. (1963), "*The Civic Culture, Political Attitudes and Democracy in Five Nations*", Boston, Little Brown.
- 2- Almond, G and Verba, S, (eds) (1980). "*The Civic Culture Revisited*", Boston: Little Brown.
- 3- Dasgupta, P, (1988), "Trust as Commodity" in, D. Gambetta (eds), *Trust, Making and Breaking Cooperative Relations*, Oxford, Basil Blackwell, pp. 49-71.
- 4- Hantington, S and Nelson, J, M (1976), "*No Easy Choice, Political Participation in Developing Countries*". Cambridge, Harvard University Press.
- 5- Inglehart, (1988), "The Renaissance of Political Culture", *American Political Science Review* No, 4, pp. 1203-1230.
- 6- Lerner, Daniel (1958), "*The Passing of Traditional Society*", Clencoe, The Free Press.
- 7- Luhmann, N (1979), "*Trust and Power*", Chichester: Wiley.
- 8- Seligman, A (1997), "*The Problem of Trust*", Princeton, New Jersey, Princeton University Press.
- 9- Sztompka, p, (1999), "*Trust: A Sociological Theory*", Cambridge University Press.